

بررسی تحلیلی - تطبیقی نسبت عقل و دین از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی و برتراند راسل با نگاهی نقادانه به آرای راسل^۱

سیامک دوست‌علی مکی^۱
فرهاد گلستانه^۲

چکیده

هدف: هدف این نوشتار، تطبیق و بررسی نسبت عقل و دین از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی و برتراند راسل بود و با تکیه بر آرای آیت‌الله جوادی آملی دیدگاه‌های راسل نقد و ارزیابی شد. **روش:** روش این مقاله، کتابخانه‌ای بود و با تحلیل داده‌ها از آثار استاد جوادی آملی و راسل انجام شد. **یافته‌ها:** راسل عقل را متعارض با دین معرفی کرد و نگاهی تاریخ‌گرایانه در رابطه عقل و دین داشت؛ اما آیت‌الله جوادی آملی عقل و دین را هماهنگ و در تعامل با یکدیگر می‌داند. **نتیجه‌گیری:** با وجود تفاوت آشکار در دیدگاه این دو فیلسوف در نسبت‌سنجی عقل و دین، شباهتهایی نیز از جمله: قائل بودن به محدودیت عقل، پذیرش عقل به عنوان راهی برای رسیدن به کمال و... ملاحظه می‌شود. همچنین سرچشمه بسیاری از ایرادات راسل در نسبت عقل و دین، غفلت از دین اسلام و توجه وی به دین مسیحیت بوده است.

واژگان کلیدی: عقل، دین، رابطه عقل و دین، جوادی آملی، راسل.
پرتال جامع علوم انسانی

♦ دریافت مقاله: ۹۹/۱۰/۰۱؛ تصویب نهایی: ۹۹/۱۱/۲۳.

۱. کارشناس ارشد فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد(نویسنده مسئول)/نشانی: کاشمر؛ خیابان ۱۵ خرداد ۱۳، پلاک ۱. شماره:

Email: Siamak.alidoost@gmail.com / ۰۵۱۵۵۲۲۹۴۸۲

۲. کارشناس ارشد فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد.

الف) مقدمه

یکی از مباحث مهم در فلسفه و الهیات که از گذشته تا کنون از بحث برانگیزترین مسائل میان فلاسفه بوده، ارتباط و نسبت میان عقل و دین است. بررسی این نسبت از دیدگاه راسل و آیت‌الله جوادی آملی دارای ظرافتهای خاصی است که موجب جلب نظر هر محقق می‌شود. اگرچه پیش از این، نسبت عقل و دین از دیدگاه استاد جوادی آملی بررسی شده، اما تاکنون مقاله‌ای از دیدگاه راسل در این زمینه تألیف نشده و هیچ پژوهشی در زمینه تطبیق این دو فیلسوف در این موضوع انجام نشده است. از این رو، در این نوشتار، نخست تعاریف علم، دین و عقل را از دیدگاه هر یک از این دو اندیشمند بیان کرده؛ سپس نسبت عقل و دین، عقل و نقل، علم و دین را بررسی می‌کنیم. همچنین سعی می‌شود علاوه بر تطبیق آرای دو فیلسوف، دیدگاه راسل با توجه به مبانی استاد جوادی آملی نقد و بررسی شود.

پرسشهای اساسی این پژوهش عبارتند از:

۱. دیدگاه راسل درباره نسبت میان عقل و دین چیست؟
۲. دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی درباره نسبت میان عقل و دین چیست؟
۳. تفاوتها و شباهتهای این دو دیدگاه کدام است؟
۴. بر اساس مبانی فکری استاد جوادی آملی چه نقدهایی بر دیدگاه راسل وارد است؟

ب) علم، دین، عقل از دیدگاه راسل

۱. علم از دیدگاه برتراند راسل

راسل علم را مفاهیم و قضایایی می‌داند که از راه حس و عقل به آنها معرفت می‌یابیم. در واقع؛ گام نخست علم در کشف واقعیات، مشاهده و تجربه است؛ سپس عقل قواعد کلی را از این مشاهدات استخراج می‌کند (راسل، ۱۹۹۳: ۹-۱۰). همچنین راسل در مقدمه تاریخ فلسفه اظهار می‌دارد: فلسفه از این جهت که یقینی یا دست‌کم اطمینان‌بخش است، علم نامیده می‌شود (همو، ۱۹۶۷: ۱۰). وی علم را شامل قضایایی می‌داند که در آغاز بر امور جزئی استوار است و سرانجام به یک سلسله قوانین کلی حاکم بر پدیده‌های هستی ختم می‌شود (همو، ۱۳۸۷: ۶۹). همچنین راسل معتقد است در آینده، علم راهش را علیه دین باز خواهد کرد و به ما می‌آموزد که دیگر متکی بر خیالات دینی نباشیم (همو، ۱۳۴۹: ۲۷-۳۸). به علاوه، بیشتر محتوای علم دینی را به دلیل باستانی بودنش، نادانی‌هایی می‌داند که اشتباهاتش را با چاشنی تقدس پوشانده‌اند. (همو، ۱۹۹۳: ۲۹)

۲. دین از دیدگاه برتراند راسل

راسل دین را نوعی اشتیاق برای همگون شدن با نیکی یا خیر آرمانی و ابدی تعریف می‌کند (راسل، ۱۹۱۲: ۱) و در جایی دیگر آن را کوششی می‌نامد که باعث اطمینان خاطر در برابر حقایقی همچون مسئله مرگ و مانند آن می‌شود (همو، ۱۳۴۹: ۷۹). از نظر وی هر یک از ادیان بزرگ تاریخی دارای سه ساحت دستگاه دین، مجموعه احکام و اصول اخلاق فردی می‌باشند و احکام دینی را محل تعارض اولیه علم و دین فرض می‌کند که ارتباط ساحت‌های سه‌گانه دین، بر شدت این تعارض افزوده است. در حقیقت؛ تعارض اولیه علم و دین، در برخی از اظهارنظرهای دینی بوده که به تدریج بخش حیاتی آموزش‌های مسیحیت را نیز نقد کرده است (همو، ۱۹۹۳: ۶). راسل بر این باور است که همه ادیان بزرگ جهان مانند بودائیسیم، هندوئیسم، مسیحیت و... هم زیان‌رسان و هم نادرست‌اند (همو، ۱۳۴۹: ۱۰). وی در زمینه نادرست بودن ادیان بر این نکته تأکید می‌کند که بیش از یکی از ادیان نمی‌تواند واقعیت و حقیقت داشته باشد؛ در حالی که هیچ یک از ادیان با این نکته موافق نیستند (همان: ۱۱). راسل زیان ناشی از ادیان را دو قسم می‌داند: یکی، در نوع عقیده‌ای است که تصور می‌شود باید تسلیم آن عقیده بود و دیگری، خطاناپذیری اصول عقاید ادیان است (همان: ۱۱-۱۰). همچنین راسل مقادیر زیادی از تقدس، محافظه‌کاری، چسبیدن به عادات کهن، محترم شمردن تعصب، کینه‌توزی و تعصبی که در ادیان موجود است را از قبیل این مضرات برمی‌شمارد (جعفری، ۱۳۹۰: ۱۳۱-۱۳۰). وی معتقد است آسیب‌های دین بیشتر از فواید آن است (همان: ۱۶۹) و بدین علت، مسیحیان را شرور می‌خواند (راسل، ۱۳۴۹: ۳۵). به عقیده راسل، اعتراضاتی که به دین شده است دو نوع‌اند: یکی، اعتراضات عقلانی و دیگری، اعتراضات اخلاقی. اعتراض عقلانی آن است که هر دینی را بدون دلیل نمی‌توان پذیرفت. مراد از اعتراض اخلاقی نیز آن است که دستورات مذهبی مربوط به زمانی است که بشر ظالم‌تر از عصر حاضر بوده و هنوز رگه‌هایی از وحشی‌گری‌های پیشین در آن مشهود است (همان: ۴۸). او در زمینه اعتراض عقلانی چنین توضیح می‌دهد که در عصر کنونی، مسئله زیان‌مندی و سودمندی دین مورد توجه انسانها قرار گرفته، ولی از حقیقت دین غفلت شده است (همان: ۱۱-۱۰، ۴۸). راسل بر این باور است که دین نه تنها عقلاً، بلکه اخلاقاً هم زیان‌آور است و مذهب را مروج اخلاقی می‌داند که منجر به خوشبختی بشر نمی‌شود (همان: ۴۳) و تنها راه کمال انسان را دوری از کوته‌اندیشی‌ها و عقاید جزمی دین معرفی می‌کند (همو، ۱۹۱۲: ۱). او در زمینه تعلیم و تربیت کودکان نیز دین را همچون اژدهایی مانع پیشرفت بشر می‌شمارد و اظهار می‌دارد: «دین مانع از آن است که فرزندان ما از تعلیم و تربیت عقلانی برخوردار شوند؛ دین مانع از آن است که ما بتوانیم علل و عوامل بنیادی جنگ را از بین ببریم، و نیز مانع از تعلیم اخلاق علمی به جای نظریه‌های قدیمی و خشن می‌شود نظریه‌هایی که به مسئله معصیت و عقوبت بشری مربوط می‌شوند. ممکن است بشریت در آستانه یک عصر طلایی باشد، ولی اگر چنین است نخست باید اژدهایی را که از این دروازه حفاظت می‌کند از پای درآورد و این اژدها همان دین است» (همو، ۱۹۵۷: ۳۷). همچنین او بر این باور است که سه محرک انسانی

ترس، تکبر و تنفر، علل روی آوردن به دین می‌باشند. از نظر او، دین بیش از همه بر ترس استوار است (همو، ۱۹۱۲: ۱). در حقیقت؛ راسل دین را به منزلهٔ مرضی فرض می‌کند که از ترس ناشی شده و عامل بدبختی نژاد بشر است (همو، ۱۳۴۹: ۴۰) و بر این باور است که ترس انسان از سه عامل طبیعت، شهوات آدمی و خود انسان سرچشمه می‌گیرد (جعفری، ۱۳۹۰: ۱۵۸-۱۵۷). در جایی دیگر، علت این ترس را وحشت از مجهولات و اطمینان به این احساس می‌داند که امری متافیزیکی در تمام ادوار زندگی یاور انسان است (راسل، ۱۳۴۹: ۲۲) و بدین خاطر است که دل خوش کردن به اعتقادات دینی را برای فرار از این ترس ناپسند می‌داند و معتقد است تا زمانی که مذهب به ترس پناه می‌برد از ارزش و مقام انسانی خواهد کاست (راسل، ۲۰۰۶: ۱۱۲). راسل تنها راه رهایی از این ترس را علم و دانش معرفی می‌کند که باعث می‌شود به جای اینکه به دنبال پشتیبانهای خیالی باشیم، درصدد این باشیم که دنیا را جای مناسبی برای زندگی کنیم. (همو، ۱۳۴۹: ۲۲)

۳. عقل از دیدگاه برتراند راسل

راسل عقل را نیرویی هماهنگ‌کننده و اداره‌کننده معرفی می‌کند. به اعتقاد وی، عقل هر عقیده را از سازگاری آن با سایر عقاید محکم می‌زند (راسل، ۱۳۸۹: ۴۹). او عقل را ناقص می‌داند و بر این باور است که عقل هرگز نمی‌تواند به حقیقت کامل پی ببرد (همو، ۱۹۹۳: ۲۲۳). در واقع؛ راسل عقل را یک منبع مستقل نمی‌داند و تنها به کنشهایی از عقل همچون عقل انسجام‌بخش، عقل تحلیلی و هماهنگ‌کننده اعتقاد دارد.

۴. نسبت عقل و دین از دیدگاه برتراند راسل

پس از بیان دیدگاه راسل در زمینهٔ عقل و دین، اکنون به نسبت این دو از منظر وی می‌پردازیم. وی معتقد است که از دوران کپرنیک تا کنون، هر زمانی که علم و الهیات برخورد نظری داشته‌اند، پیروزی با علم بوده است. همچنین در خصوص تاریخچه علوم عملی مانند پزشکی و غیره معتقد است: «علم در راه کاهش درد و رنج برمی‌خاست، در حالی که دین به تشویق وحشی‌گری‌های طبیعی بشر می‌پرداخت» (همان: ۱۸۱) و اظهار می‌کند که: «میان علم و دین، ستیزی نیست. بالاخره زمانی خواهد رسید که علم جواب تمام سؤالات و مشکلات ما را بدهد» (شوستری، ۱۳۸۰: ۱۲۵) و بدین خاطر معتقد است که هیچ روش دیگری بیرون از علم برای رد یا اثبات دین وجود ندارد (راسل، ۱۹۹۳: ۱۰۲). در حقیقت؛ راسل باور دارد دینداران اعتقاد دینی را حقیقتی مطلق می‌دانند ولی علم همواره در حال دگرگونی است (همان: ۱۰) و از این رو، تفاوت بینش قرون وسطایی و علوم نوین را در موضوع مرجع می‌داند؛ یعنی از نظر دینداران، مرجع‌های دینی از قبیل متن انجیل، خطاناپذیر هستند (همان: ۱۱) ولی علوم همواره در حال دگرگونی‌اند.

با توجه به آنچه ذکر شد، روشن می‌شود که راسل در برخورد علم و دین باور دارد اگر اعتقاد دینی موافق نظریه‌های علمی باشد بین آن دو ستیزی نیست و اگر دستاوردهای علمی مخالف اعتقادات مذهبی باشد، در نهایت این توجیه علمی است که مقدم بر اعتقاد دینی می‌شود. بنابر این، روش راسل این است که هر حادثه و اندیشه‌ای را صرفاً محصول شرایط تاریخی قلمداد می‌کند و این روش همان روشی است که هوسرل آن را «تقلیل و تحویل» نامیده است. در این روش، حقیقت و ذات یک پدیده نادیده گرفته می‌شود و به ظاهر آن پدیده تقلیل و تحول می‌یابد. گویی آن پدیده هیچ چیزی را جز آنچه به ادراک سطحی و حسی در می‌آید، شامل نمی‌شود. در نتیجه، در این روش، راسل تنها به عرضیات دین توجه می‌کند و برخلاف سخن خویش که بیان کرده به ذات دین بیش از عرضیات آن باید توجه شود (همو، ۱۳۴۹: ۴۸)، خود وی روشی را اتخاذ کرده که در آن ماهیت دین مورد غفلت واقع شده است.

ج) علم، دین، عقل از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی

۱. علم از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی

آیت‌الله جوادی آملی علم را به اختصار، دانش معتبر برهانی یا اطمینان‌آور می‌داند (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۱۱۰). وی باور دارد اگر دانش به سرحد اطمینان عقلایی رسید، با دین تعارضی ندارد و در مواردی می‌تواند در برابر دلایل نقلی ظنی قرار گیرد (همان: ۱۱۹-۱۱۸). ایشان همچنین در تقسیمات نظری فلسفه، علوم تجربی را زیرمجموعه فلسفه وسطی قرار می‌دهد (همو، ۱۳۹۵: ج ۱، ۱۲۳). پس مراد استاد جوادی آملی از علم، منحصر به علوم تجربی نیست؛ از منظر وی، علمومی که در حد فرضیه یا ظنی‌اند، شامل علم نمی‌شوند (همو، ۱۳۸۶: ۱۱۰). آنچه‌آنچه که متذکر شدیم، مراد راسل از علم، علوم تجربی است و آن را در مقابل دین قلمداد می‌کند. در واقع؛ راسل به دلیل عدم آگاهی از محدودیت علوم تجربی، دچار این خلط شده است. ولی از نظر جوادی آملی، علوم تجربی با اینکه در شرایطی معارض با دین نیستند، محدود می‌باشند و یکی دیگر از اشکالات راسل که علم را مقدم بر دین دانسته و معتقد به فائق آمدن علم در برخورد تاریخی علم و دین می‌باشد، این است که ایشان از این نکته که مجهولات علمی بشر بسیار بیشتر از یافته‌های آن است، با تسامح گذشته‌اند (همو، ۱۳۹۴/الف: ۴۱). نکته دیگری که آیت‌الله جوادی آملی بدان اشاره می‌کنند این است که حقیقت مسائلی همچون معاد، خداوند و... از قلمرو علوم تجربی بیرون است و بدین علت چنین علمومی نمی‌توانند هستی‌شناسی جامعی در مورد مسائل دینی ارائه دهند (همان: ۴۲). اما این دیدگاه تاریخ‌گرایانه راسل که باور دارد علم تا کنون فواید بسیاری برای بشر داشته، ناصواب است؛ زیرا دین مد نظر راسل مسیحیت است و از این حیث دارای نارسایی‌هایی است، ولی دین مد نظر استاد جوادی آملی اسلام است و ایشان فواید بسیاری از جمله: همبستگی اجتماعی، تعلیم اخلاق و سیاست، تعلیم صنایع و فنون سودمند و... را برای دین قائل

است (همو، ۱۳۹۷/الف: ۴۰-۴۹)؛ زیرا عقل در شناخت مصالح و مفاسد برخی از امور، استقلال دارد و در بعضی از آنها نیازمند راهنماست و این شریعت است که این معضل را برطرف می‌کند (همان: ۴۰). استاد جوادی آملی نادیده گرفتن علوم بشری را نیز امری اشتباه می‌داند و باور دارد که علم اگر در خدمت دین باشد، باعث تعالی انسان می‌شود و بشر می‌تواند با استفاده از علم دینی به پیشرفتهای چشمگیری دست پیدا کند. (همو، ۱۳۹۴/الف: ۴۲)

۲. دین از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی

از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی، دین مجموعه‌ای از عقاید، اخلاق، قوانین فقهی و حقوقی می‌باشد که از سوی خداوند برای هدایت و رستگاری بشر تعیین شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۱۹). وی دین را به دو قسم دین الهی و دین بشری تقسیم می‌کند (همو، ۱۳۸۷/الف: ۲۵) و آن را منحصر به حوزه احکام دینی نمی‌داند و بر این باور است که دین شامل مسائل فلسفی، علمی و عقلی نیز می‌شود (همو، ۱۳۸۶: ۳۵). همچنین مراد ایشان از دین، در بحث کنونی، دین اسلام است (همان: ۲۴). آیت‌الله جوادی آملی علت وجود دین را لطف الهی در اصلاح خطاهای درک عقلی انسان می‌داند تا دریافتهای عقلی با آشخور وحی تأیید و تأکید شوند (همو، ۱۳۹۷/الف: ۵۳). وی دین را یک حقیقت وحدانی می‌داند. دلیل این امر آن است که اولاً، در آموزه‌های دینی تصریح شده است: «انَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» (آل عمران: ۱۹)؛ ثانیاً، ذات بشر که مخلوق پروردگار است، واحد می‌باشد و از ذات واحد صدور ادیان کثیر امکان‌پذیر نیست؛ ثالثاً، سرچشمه حقیقت انسان، خداوند است؛ رابعاً، علم حق تعالی به خود، حضوری است و از این رو، حق تعالی دو دین ندارد (همو، ۱۳۸۷/الف: ۷۳). به علاوه، استاد جوادی آملی تعقل را در دین جایز می‌داند و بدین خاطر است که از اسلام به عنوان «دین عقل» نام می‌برد (همو، ۱۳۹۵/الف: ۱۶۰). اما راسل به علت عدم توجه به اینکه اقتضائات زمانی باعث تغییر فروع دین می‌شود (همو، ۱۳۸۷/الف: ۷۳)، به اشتباه محل تعارض اولیه عقل و دین را احکام آن معرفی می‌کند. همچنین یکی از زیانهای دین را خطاناپذیری اصول آن معرفی می‌کند. پاسخ این توهم آن است که اصول دین بر پایه تحقیق است و انسان در فهم اصول دین از عقل نظری بهره می‌برد و چون عقل نظری در آدمیان متفاوت و خطاپذیر است، نمی‌توان گفت که این اصول همواره و در نظر همه آدمیان خطاناپذیر است (همو، ۱۳۹۱: ۱۸۲؛ ۱۳۹۳/ب: ۱۱۴). به علاوه اگر خطاناپذیری این اصول همراه با تأیید عقل باشد، نه تنها موجب ضرر نمی‌شود، بلکه فرد معتقد به اصول دین اگر به عمل صالح بپردازد، تحت ولایت تکوینی حق تعالی نیز قرار می‌گیرد (همو، ۱۳۹۴/ب: ۴۳۴) و این دیدگاه راسل که نادرستی ادیان را بدین علت می‌داند که تنها یک دین می‌تواند حق باشد، اشتباه است؛ زیرا ایشان از جنبه انحصارگرایانه به این موضوع نگاه کرده‌اند و دین مبین اسلام شمول‌گرا می‌باشد (همو، ۱۳۹۷/ب: ۷، ۴۲۷، ج ۶: ۱۹۰)؛ یعنی اسلام دین حق است اما پیروان سایر ادیان نیز

توانایی رستگاری را دارند. آشکار است که این ایراد عقلانی راسل نشانگر عقل‌گرایی افراطی اوست که باور دارد برای آنکه اعتقادات دینی مورد قبول عقل باشد، باید بتوان صدق تمام گزاره‌های آن را عقلاً اثبات کرد. در واقع؛ این اشکال راسل متناقض با دیدگاه وی دربارهٔ عملکرد عقل می‌باشد که معتقد است عقل هرگز یقین نمی‌کند که به حقیقت رسیده است (راسل، ۱۹۹۳: ۲۲۳) و اگر چنین باشد، چگونه وی باور دارد که عقل خود تمام حقایق دین را به تنهایی ادراک می‌کند؟ و نیز اینکه راسل تسلیم امور دینی بودن را ضرر معرفی می‌کند، چنین پاسخ می‌دهیم که عقل، دین را تأیید می‌کند و در این صورت تسلیم بودن در برابر امری دینی نه تنها مضر نیست، بلکه چون حکم عقل است، ضرورت دارد (جوادی آملی، ۱۳۹۷: ج ۱۰: ۴۶۷). یکی از اعتراضات راسل که دین را منسوخ می‌داند این است که باور دارد در دین رگه‌هایی از وحشی‌گری‌های پیشین باقی مانده است. در حقیقت؛ راسل بر حسب دیدگاه تاریخ‌گرایانه خود چنین اعتقادی دارد و این ایراد راسل به جهت این است که وی بین دین و تدبیر تمایزی قائل نشده است؛ زیرا تدبیر وصف انسان است، ولی دین حقیقتی از جانب خداوند می‌باشد (همو، ۱۳۸۶: ۲۰-۱۹). پروردگاری که بندگان خود را به مکارم اخلاق تشویق می‌کند (همو، ۱۳۹۷: ج ۴: ۶۰)، نمی‌تواند علت وحشی‌گری‌های صورت گرفته در دین باشد. اینکه راسل از دین به عنوان مانعی برای پرورش عقلانی کودکان یاد می‌کند، در مورد دین اسلام صادق نمی‌باشد؛ زیرا همان‌طور که ذکر شد، اسلام دین عقل است (همان، ج ۹: ۱۸۷). به علاوه از منظر استاد جوادی آملی دربارهٔ برخی افرادی که ایمان ضعیفی دارند، ترس منشأ تدبیر است نه منشأ دین؛ در حالی که راسل باور دارد ترس منشأ دین است (همان، ج ۲: ۴۴۷). در واقع؛ از منظر استاد جوادی آملی، این ترس «سرفصل و ارستگی و آغاز زکات روح است» (همان، ج ۶: ۳۹۴). لذا راسل در اینجا دچار مغالطه کنه و وجه شده است؛ یعنی با مد نظر قرار دادن ترس به عنوان صفتی در دین، از آن به عنوان منشأ دین نام برده است. (خندان، ۱۳۹۰: ۱۶۹)

با توجه به مطالب پیش گفته، می‌توان یکی از دلایلی را که راسل معتقد به تعارض عقل و دین شده است، خلط وی در اصول و فروع دین دانست؛ زیرا راسل به این نکته توجه نکرده است که جزئیات دین به صورت مستقیم در قلمرو برهان عقلی قرار نمی‌گیرند و چیزی که در حیطهٔ عقل نباشد تعلیل و توجیه عقلانی ندارد و تنها صلاحیت تبیین عقلانی را دارا است. (جوادی آملی، ۱۳۸۷: الف: ۱۷۶-۱۷۴)

۳. عقل از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی

آیت‌الله جوادی آملی در مبحث حاضر از عقل به عنوان ادراکی ناب یاد می‌کند که از گزند خیال و وهم در امان است (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۳۰) و تصریح می‌کند: «منظور از عقل همانا علم یا طمأنینه علمی است که از برهان تجربی محض یا تجربیدی صرف یا تلفیقی از تجربی و تجربیدی حاصل شده باشد». پس عقل به معنای

مذکور، علم مصطلح و فلسفه را در بر می‌گیرد؛ بدین معنی که عقل تأمین‌کننده مبادی و مسائل علم و فلسفه است (همان: ۲۶-۲۷). وی معتقد است که عقل در مقابل نقل قرار می‌گیرد نه دین. به دیگر سخن؛ علوم عقلی را هم سطح دین نمی‌داند (همو، ۱۳۹۷/الف: ۹۳). همچنین وی بر خلاف راسل، عقل را مصباح شریعت و منبعی مستقل در کشف معارف اعتقادی، اخلاق و احکام معرفی می‌کند. (همو، ۱۳۸۶: ۵۰)

۴. نسبت عقل و دین از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی

لازم است پیش از بیان ارتباط عقل و دین از منظر استاد جوادی آملی، به یادآوری چند نکته پردازیم:

نخست اینکه، مراد آیت‌الله جوادی آملی از دین، دین اسلام می‌باشد و راسل اندیشه‌اش بیشتر معطوف به دین مسیحیت است. دیگر اینکه، استاد جوادی آملی میان دین و نقل تمیز قرار می‌دهد و دین را موطن حق معرفی می‌کند (همان: ۱۸۱) و فهم دیگران از دین را نقل می‌خواند. (همان: ۳۳)

در رابطه عقل و نقل چهار نظر وجود دارد که عبارتند از: تعارض، تمایز، تلاقی و تأیید (هات، ۱۳۸۵: ۲۴). آیت‌الله جوادی آملی معتقد به تأیید است؛ یعنی بر این باور است که نقل مؤید عقل است و عقل مؤید نقل (جوادی آملی، ۱۳۹۷/الف: ۹۳) و بدین سبب اظهار می‌دارد که: «معرفت دینی محصول سنجش و تعامل توأمان دانش نقلی و دانش عقلی است» (همو، ۱۳۸۶: ۱۸۴-۱۸۳). در حقیقت؛ استاد جوادی آملی با قرار دادن عقل در درون هندسه معرفت دینی، به حل تعارض عقل، علم نسبت به دین پرداخته است (همان: ۱۱۰) و معتقد است اگر قرار باشد تعارضی در این مبحث صورت بگیرد، این تعارض بین عقل و نقل است، نه عقل و دین (همان: ۱۳۱). حتی تعارض بین عقل و نقل نیز از منظر ایشان مردود است؛ زیرا همان‌طور که حق تعالی نقل را مصباح دین معرفی کرده، عقل را نیز معیار دیگر معرفت دینی عنوان داشته است (همان: ۱۱۰) و چون آبخشور عقل و نقل یکی است، بنابر این تصور تعارض میان آنها ممکن نیست. آیت‌الله جوادی آملی برای رفع اختلاف ظاهری عقل و نقل نیز راه‌های گوناگونی ارائه داده است که بیان آن در مقام این مقال نمی‌گنجد. برای مثال، در فرض تعارض بین عقل و نقل، معتقد است که نقل باید مورد تأویل قرار گیرد (همان: ۷۴). بنابر این، از منظر آیت‌الله جوادی آملی هرگز عقل و دین در مقابل یکدیگر نیستند؛ زیرا ایشان دین را امر جامعی می‌داند که عقل و نقل تحت آن قرار می‌گیرد (همان: ۹). به سخن دیگر؛ دین را باید از دو راه عقل و نقل اثبات کرد (جوادی آملی، ۱۳۸۷/الف: ۱۲۶). اما در مسیحیت، رابطه عقل و دین با سه رویکرد عقل‌گرایی حداکثری، ایمان‌گرایی و عقل‌گرایی انتقادی مواجه بوده است و راسل جزء عقل‌گرایان افراطی قرار می‌گیرد؛ زیرا باور دارد صدق تمام گزاره‌های دینی را باید بتوان به گونه‌ای اثبات کرد که جمیع عقلا در تمام دوره‌های تاریخ قانع شوند. (پترسون و همکاران، ۱۳۸۸: ۷۴)

متذکر شدیم که راسل به تعارض عقل و دین حکم می‌کند؛ یعنی دین از منظر وی کاملاً مخالف با عقل است (هات، ۱۳۸۵: ۲۴) و به زعم استاد جوادی آملی، علت این اشتباه راسل تحریفات متعدد و تفسیرهای غلطی است که در مسیحیت رخ داده (جوادی آملی، ۱۳۸۷/ب: ۱۶۶-۱۶۵) و به تدریج به نفی جایگاه گزاره‌های متون مذهبی انجامیده است (همان: ۱۶۲-۱۶۳). همچنین جزم‌اندیشی عنوان شده توسط راسل، همان‌طور که قبلاً ذکر شد، شامل دین اسلام نمی‌شود؛ زیرا دین اسلام جایگاه والایی برای تفکر قائل است و حتی مؤمنان را به این امر تشویق می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۹۴/ج: ۱۶۱). به عقیده آیت‌الله جوادی آملی، عقل امری درون‌دینی و منبع کشف دین است (همان: ۱۵۹)؛ یعنی استاد جوادی آملی به تأیید عقل و دین باور دارد و آن را چراغی برای رسیدن به حقیقت دین معرفی می‌کند؛ اما راسل بر اساس دیدگاه تاریخ‌گرایانه خود معتقد به تعارض بین علم، عقل نسبت با دین است. در حقیقت؛ راسل در این نتیجه‌گیری خود دچار مغالطه‌تعمیم شتاب‌زده شده است؛ یعنی وی با توجه به دین مسیحیت مطالبی را نقد کرده و آن ایرادات را به تمام ادیان تعمیم داده است (خندان، ۱۳۹۰: ۳۴۷-۳۴۶)؛ در عین حال که خود دین مسیحیت دستخوش تحریفات متعددی قرار گرفته است و نمی‌توان از آن به عنوان امری اصیل استفاده کرد.

د) تطبیق دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی و برتراند راسل

عقل از دیدگاه هر دو اندیشمند در مسائل علمی حضور دارد؛ با این تفاوت که راسل علم را قضایایی می‌داند که علاوه بر عقل، به‌واسطه حس بدان معرفت می‌یابیم؛ اما استاد جوادی آملی عقل را اثبات‌کننده مبادی علم معرفی می‌کند.

هر دو اندیشمند در تعریف علم اختلاف دارند. راسل علم را مجموعه‌ای از قضایایی حسی و عقلی می‌داند اما استاد جوادی آملی آن را دانش معتبر برهانی یا اطمینان‌آور معرفی می‌کند. لذا توجه بیشتر راسل در علم، منحصر به علوم تجربی است؛ اما استاد جوادی آملی دانش را تنها منحصر به علوم تجربی نمی‌کند. همچنین راسل علم را در مقابل دین قرار می‌دهد؛ اما استاد جوادی آملی باور دارد اگر علم به سرحد اطمینان عقلایی برسد، با دین تعارضی ندارد و در این صورت، مؤید آن خواهد بود. در واقع؛ اینکه راسل علم را در مقابل دین قلمداد می‌کند، متأثر از دیدگاه تاریخ‌گرایانه وی در نبرد علم و دین است. اما آیت‌الله جوادی آملی با اثبات ضعف علوم تجربی، نه تنها علم را در مقابل دین نمی‌داند، بلکه معتقد است علم اگر در خدمت دین قرار گیرد باعث شکوفایی هر دو می‌شود.

هر دو فیلسوف در تعریف دین اختلاف دارند. راسل دین را نوعی همگون شدن برای خیر آرمانی و کوششی برای اطمینان در برابر مسائلی همچون مرگ می‌داند؛ اما استاد جوادی آملی دین را مجموعه‌ای از عقاید، قوانین فقهی و حقوقی از طرف خداوند معرفی می‌کند. لذا تعریف دین به «کوششی برای اطمینان

پس از مرگ» را می‌توان برگرفته از دیدگاه لادری‌گرایانه راسل خواند؛ در حالی که تعریف استاد جوادی آملی از دین، برگرفته از فرهنگ اسلامی و جامعیت دین اسلام است.

همچنین هر دو اندیشمند، دین را شامل دستگاه دین، اخلاق و احکام معرفی می‌کنند؛ با این تفاوت که آیت‌الله جوادی آملی دین را تنها منحصر به این سه ساحت نمی‌داند و آن را شامل عقاید، مسائل علمی و فلسفی و غیره نیز معرفی می‌کند. می‌توان این دیدگاه انحصارگرایانه راسل را در خصوص دین، متأثر از توجه وی به دین مسیحیت خواند. همچنین راسل سرچشمه تعارض عقل و دین را احکام اولیه دین معرفی می‌کند؛ اما از منظر آیت‌الله جوادی آملی، فرض تعارض در دین محال است؛ زیرا منشأ هر دو خداوند است. می‌توان علت فرض این تعارض را از دیدگاه راسل، متأثر از برخی احکام مسیحیت که ناسازگار با عقل است، مانند پذیرش تثلیث، اعتراف و ... دانست. به‌علاوه دیدگاه راسل نسبت به دین، انحصارگرایانه است؛ بر خلاف استاد جوادی آملی که دین را شمول‌گرا می‌داند. لذا این اندیشه راسل ناشی از عدم آگاهی و عدم نکته‌سنجی وی نسبت به عقاید ادیان است و می‌توان دیدگاه استاد جوادی آملی را نسبت به شمول‌گرایی دین، متأثر از تفکر اسلامی وی دانست که باور دارد تنها اسلام دین حق است، اما دیگر ادیان نیز در نهایت انسان را به رستگاری می‌رسانند.

در خصوص عقل، هر دو اندیشمند معتقدند که عقل به محدودیت‌های خویش معترف است. راسل و آیت‌الله جوادی آملی، عقل را راهی برای رسیدن به کمال انسانی قلمداد می‌کنند؛ با این تفاوت که راسل این کمال عقلی را به واسطه دوری از دین معرفی می‌کند، اما استاد جوادی آملی با قرار دادن عقل در هندسه معرفت دینی، آن را علت شکوفایی دین می‌خواند.

ه) نقد دیدگاه راسل در رابطه عقل و دین از منظر استاد جوادی آملی

از آنچه گذشت آشکار می‌شود که دیدگاه برتراند راسل در رابطه عقل و دین، حاوی اشکالات متعدد فلسفی و منطقی است که به تفصیل در این نوشتار به آنها پرداخته شد و اجمالاً در اینجا نیز اشاره می‌شود.

۱. راسل در ایرادات خویش به دین، تنها دین مسیحیت را منظور قرار داده و از کنار دیگر ادیان با تسامح عبور کرده است. لذا از این حیث گرفتار مغالطه تعمیم شتاب‌زده شده است.
۲. راسل بین ماهیت دین و تاریخچه علم و دین خلط کرده است.
۳. مراد راسل از علمی که در مقابل دین است، تنها منحصر به علوم تجربی است و بدین مسئله توجه نکرده که این علم دارای ضعفهایی است و در حل بسیار از مسائل فیزیکی و متافیزیکی کارآمد نیست.

۴. راسل وحی و نقل را با یکدیگر خلط کرده است.
۵. وی میان اصول و فروع دین تمایز قائل نشده است؛ زیرا فروع دین در حیطة برهان عقلی قرار نمی گیرند.
۶. راسل از جنبه انحصارگرایانه به دین نگاه کرده است.
۷. وی به اشتباه، ترس را به عنوان صفتی در دین، سرچشمه دین قلمداد کرده و دچار مغالطه کنه وجه شده است.
۸. راسل به اشتباه، دین و تدین را یک چیز قلمداد کرده است.

(و) بحث و نتیجه گیری

ارتباط عقل و دین از منظر راسل و استاد جوادی آملی اگرچه در نگاه نخست به علت تفاوت فرهنگی و حوزه فلسفی قابل تطبیق به نظر نمی رسد، اما روشن شد که ضمن این اختلافات، از جهاتی نیز با هم اشتراک نظر دارند که این اشتراک نظر می تواند به علت کلی نگری این دو فیلسوف در برخی مسائل باشد. اما سرچشمه اختلافات ایشان را می توان توجه استاد جوادی آملی به دین اسلام و توجه راسل به دین مسیحیت دانست؛ زیرا اکثر ایرادات راسل شامل دین اسلام نمی شود. راسل با توجه به دین مسیحیت، ایراداتی را بر آن وارد کرده و آن ایرادات را به دیگر ادیان نیز تعمیم داده است و در نهایت، عقل و دین را متعارض هم معرفی کرده است. بنابر این، یکی از دلایلی که راسل معتقد به تعارض عقل و دین شده است، غفلت وی از دین اسلام است. اما آیت الله جوادی آملی با توجه به دین اسلام، عقل و دین را معاضد یکدیگر معرفی می کند و از عقل و دین به عنوان راهی برای کسب معرفت نام می برد. در این پژوهش ضمن تکیه بر مستندات، آرای راسل به علت عدم جامع نگری، از منظر استاد جوادی آملی نقد و بررسی شده است.



منابع

- پترسون، مایکل و همکاران (۱۳۸۸). عقل و اعتقاد دینی؛ درآمدی بر فلسفه دین. تهران: نشر نو.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۹۰). توضیح و بررسی مصاحبه راسل - وایت. تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۷/الف). انتظار بشر از دین. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۷/ب). تسنیم؛ تفسیر قرآن کریم. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۴/الف). توحید در قرآن. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱). جامعه در قرآن. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۵/الف). حماسه و عرفان. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷/الف). دین‌شناسی. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۵/ب). ریح مختوم. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷/ب). شریعت در آیینه معرفت. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۳/الف). شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۴/ب). قرآن کریم از منظر امام رضا (ع). قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۳/ب). معرفت‌شناسی در قرآن. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶). منزلت عقل در هندسه معرفت دینی. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۴/ج). نسبت دین و دنیا: بررسی و نقد نظریه سکولاریسم. قم: اسراء.
- خندان، علی‌اصغر (۱۳۹۰). مقالات. قم: بوستان کتاب.
- راسل، برتراند (۱۳۴۹). چرا مسیحی نیستیم. ترجمه س. اس. طاهری. تهران: دریا.
- راسل، برتراند (۱۳۴۹). «شکهای فلسفی». ترجمه جلال‌الدین اعلم. مجله آموزش و پرورش، ش ۱۲۰.
- راسل، برتراند (۱۳۸۷). جهان‌بینی علمی. ترجمه حسن منصور. تهران: آگاه.
- راسل، برتراند (۱۳۸۹). عرفان و منطق. ترجمه نجف دریابندری. تهران: ناهید.
- راسل، برتراند (۱۹۹۳). نبود دین با علم. ترجمه اصغر مهاجر و احمد ایرانی. لس‌آنجلس.
- شوشتری، زهرا (۱۳۸۰). «مذهب از منظر علامه جعفری و راسل، گزیده‌ای کتاب توضیح و بررسی مصاحبه راسل - وایت». شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ۱۴۶-۱۲۴.
- هات، جان اف (۱۳۸۵). علم و دین: از تعارض تا گفتگو. ترجمه بتول نجفی. قم: مؤسسه فرهنگی طه.
- Russell, Bertrand (1967). **A History of western philosophy**. Touchstone: Simon & Schuster.
 - Russell, Bertrand (2006). **Education and the social order**. Hesperides Press.

- Russell, Bertrand (1912). “**The essence of religion**”. *The Hibbert Journal*, Vol. 2: 46-63.
- Russell, Bertrand (1957). **What I Am not Christian**. London: George Allen and Unwin Ltd.

منابع ترجمه شده

- Hot, John F. (2006). **Science and religion: from conflict to dialogue**. Translated by Batool Najafi. Qom: Taha cultural institute.
- Jafari, Mohammad Taghi (2011). **Explanation and review of Russell and White**. Tehran: Institute for compiling and publishing the works of Allameh Jafari.
- Javadi Amoli, Abdullah (2016). **Epic and mysticism**. Qom: Asra publisher.
- Javadi Amoli, Abdullah (2014). **Epistemology in Quran**. Qom: Asra publisher.
- Javadi Amoli, Abdullah (2018). **Human expectations of religion**. Qom: Asra publisher.
- Javadi Amoli, Abdullah (2015). **Monotheism in the Quran**. Qom: Asra publisher.
- Javadi Amoli, Abdullah (2016). **Rahigh Makhtum**. Qom: Asra publisher.
- Javadi Amoli Abdullah (2008). **Shariat in the mirror of cognition**. Qom: Asra publisher.
- Javadi Amoli, Abdullah (2012). **Society in the Quran**. Qom: Asra publisher.
- Javadi Amoli Abdullah (2018). **Tasnim, Interpretation of Holy Quran**. Qom: Asra publisher.
- Javadi Amoli Abdullah (2014). **The flourishing of Reason in the light of the Hosseini movement**. Qom: Asra publisher.
- Javadi Amoli, Abdullah (2015). **The Holy Quran from the perspective of Imam Reza (peace be upon him)**. Qom: Asra publisher.
- Javadi Amoli, Abdullah (2015). **The Relationship between religion and the world: review and critique of the theory of secularism**. Qom: Asra publisher.
- Javadi Amoli, Abdullah (2007). **The Status of Reason in the geometry of religious cognition**. Qom: Asra publisher.
- Javadi Amoli, Abdullah (2008). **Theology**. Qom: Asra publisher.

- Khandan, Ali Asghar (2011). **Falsifications**. Qom: Bostan Ketab publisher.
- Peterson, Michael & others (2009). **Reason and Religious belief, an introduction to the philosophy of religion**. Tehran: Nashre no publisher.
- Russell, Bertrand (2010). **Mysticism and Logic**. Trans. Najaf Daryabandari. Tehran: Nahid publisher.
- Russell, Bertrand (1970). “**Philosophical doubts**”. translated by Jalauddin Alam. *Journal of education*, No. 120.
- Russell, Bertrand (2008). **Scientific worldview**. Translated by Hassan Mansouri. Tehran: Agah publisher.
- Russell, Bertrand (1993). **The battle of religion with science**. translated by Asghar Mohajer & Ahmad Irani. Los Angles.
- Russell Bertrand (1970). **Why am I not a Christian?**. Trans. S.A.S. Taheri. Tehran: Darya publisher. 2015
- Shushtari, Zahra (2001). “**Religion from the perspective of Allameh Jafari and Russell, excerpts from the book of explaining and reviewing the Russell and White interview**”. *Quarterly journal of women's socio-cultural council*, 124-146.

